

یادداشت

کمپین سعودی‌ها علیه‌برند ایرانی

فرهنگ‌یگان هجدهم اردیبهشت‌ماه سال ۹۷ و در لحظه‌ای که ترامپ دستور خروج غیرقانونی و یک‌طرفه آمریکا از برجام را داد، تصور دستگاه تصمیم‌گیر واشنگتن از شرایط ایران آن بود که در فاصله کمی بعد از برهم خوردن برجام و بازگشت تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا، با اقتصادی از هم فروپاشیده مقابل دولت جمهوری خواه این کشور تسلیم شده و به نحوی که کاخ سفید می‌خواهد برای توافقی بهتر از برجام پای میز مذاکره با دولت ترامپ بنشیند. دولت جمهوری خواه آمریکا با این اقدام و اعلام آنکه طبق برنامه قبلی برای مقابله با ایران سازوکاری تحت عنوان «کارزار فشار حداکثری» را ترتیب داده است، به‌زعم خود قدمی بزرگ در راه رسیدن به هدف مهمش که فروپاشی اقتصاد ایران بود، برداشت. سازوکاری که البته تا پایان عمر چهار ساله دولت ترامپ هدف دلخواه کاخ سفید را محقق نکرد. همچنین بعد از روی کار آمدن بایدن و باوجود پیگیری این سیاست از سوی دولت دموکرات آمریکا بود که مقامات این کشور در چند مورد زیان به اعتراف گشوده و رسماً اعلام کردند سیاست فشار حداکثری علیه ایران به نتیجه‌ای که کاخ سفید می‌خواست نرسیده است. علاوه‌بر این، ایران طی سه، چهار سالی که کارزار فشار حداکثری قرار بود ساختارهایش را فلج کند موفق شد راه‌های دور ردن وبی‌اثر کردن تحریم‌های غرب را هم یکی پس از دیگری پیدا کرده و به کار بگیرد. مجموعه‌ای از این اتفاقات بود که باعث شد دستگاه‌های تصمیم‌گیر آمریکا در این زمینه به سیاست‌های جدیدی در مواجهه به ایران فکر کنند. با توجه به اینکه گزینه حمله نظامی بعد از پیشرفت‌های قابل‌توجه و انگ‌ناپذیر ایران در زمینه‌های دفاعی به‌عنوان ابزار مهار تهران به کلی منتفی شد، سرمایه‌گذاری و تمرکز دستگاه سیاست خارجی واشنگتن به‌طور محسوسی به حوزه جنگ روانی و رسانه‌ای منتقل شد. به این معنا که اقدامات چند وقت اخیر واشنگتن در حمایت از ناآرامی‌های داخلی کشورمان نشان داد آنها قصد دارند هدف خود را [که فروپاشی اجتماعی و اقتصادی کشورمان است] به‌واسطه شهروندان ایرانی‌ال‌اصل ساکن خارج از ایران و همچنین اثرگذاری بر افکار عمومی ساکن ایران از طریق رسانه‌های فارسی‌زبان تحت حمایت کاخ سفید و متحدان خود محقق کنند. ضرب دادن به کمپین‌هایی خاص با کلیدواژه‌هایی مشخص مثل «ایجاد شومساری»، «خرابکاری شرافت‌مندانه»، «اعتصابات سراسری» و امثال آن، یا حتی تشویق مردم به تحریم استارتاپ‌ها و صنایع غذایی ایرانی به بهانه‌های عمدتاً غیرواقعی و ساختگی از طریق رسانه‌های فارسی‌زبان تحت حمایت غرب، به‌طور واضحی نشان داد با یک ابرپروژه از پیش‌طراحی شده مواجه هستیم. پروژه‌ای جدی و چندبعدی که قرار است مکمل تحریم‌های حداکثری غرب برای فروپاشی کشورمان در همه زمینه‌ها باشد. در ادامه بخش‌هایی از این پروژه چندبعدی برای به‌زانو درآوردن ایران را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

تعطیلی بازار؛ نخستین گام برای نابودی چرخ اقتصاد کشور

رسانه‌های ایران‌ستیز برای تحقق هدف از پیش‌طراحی شده خود، با انتشار فراخوان‌هایی، تاریخ ۲۴، ۲۵ و ۲۶ آبان را به‌عنوان سه روزی اعلام کردند که قرار است در سراسر ایران اعتصابات و گسترده از سوی کسبه شهرهای کشور رخ دهد. این پروژه تاحدی برای آنان مهم بود که وقتی دیدند در روز اول استقبالی از سوی مردم نسبت به آن شکل نگرفته است، از روز دوم و در روز سوم به زور متوسل شده و با ارباب و تهدید کسبه به‌سمت تحقق این پروژه حرکت کردند. روشی که نمونه جدی‌تر آن را در بازار تهران و برخی محلات مشهد شاهد بودیم. در تهران علاوه‌بر بازار بزرگ، این بازار آهن شادآباد بود که مورد حمله لشکر ارباب قرار گرفت. با این شرح که ارادل و اوباش در روز چهارشنبه، ۲۵آبان بعد از آنکه متوجه شدند کسبه بازار آهن تن به خواسته آنان برای تعطیلی و اعتصاب نداده‌اند به این بازار هجوم بردند تا با ناامن کردن محیط کسبه را مجبور به تعطیل کردن کسب‌وکار خود کنند. موفقیت این پروژه تاحدی برای آنان اهمیت داشت که در مشهد حاضر شدند برای رفع موانع خود در تهدید کسبه، جوانان مشهدی و بسیجیانی که مانع از اعتصاب اجباری شده بودند را با سلاح سرد مورد حمله قرار دهند. حمله‌ای که نتیجه‌آن، شهادت دو جوان دانشجوی بسیجی با نام‌های حسین زینال‌زاده و دانیال رضازاده و همچنین زخمی شدن سه جوان بسیجی دیگر شد.

رقبای سعودی کاله و میهن؛ برنده «پروژه تحریم»

رسانه‌های ضدایرانی در این چندین روز، هم‌زمان با تشویق مردم به اعتصاب و تعطیلی کسب‌وکار خود، برنامه دیگری را هم برای تحت فشار قرار دادن ایران به‌طور جدی در دستور کار قرار دادند و آن، دست‌ان‌ورز قرار دادن فیک‌نیزوها برای حمله به منافع اقتصادی شرکت‌های شاخصی بود که در خارج از مرزهای ایران، رقیب شرکت‌های وابسته به خاندان آل‌سعود محسوب می‌شوند. شاخص‌ترین این تلاش‌ها تشویق مردم به تحریم شرکت میهن بود. زمانی می‌توان متوجه میزان اهمیت تحت فشار قرار گرفتن شرکت شاخصی مثل میهن شد که بدانیم فوربس، معتبرترین مجله اقتصادی دنیا در سال ۲۰۱۷ میهن را برترین تولیدکننده بستنی در خاورمیانه اعلام کرد. علاوه‌بر این شرکت میهن در کنار کاله، سهم مهمی از بازار عراق را در اختیار دارد و رقابتش در این کشور و همچنین کشورهای کویت، قطر، امارات و عربستان با شرکت‌های شاخص آمریکایی و اروپایی است.

علاوه‌براین از شرکت لبنیاتی «المرای» عربستان که مالکان و سهامداران آن وابستگان دربار سعودی هستند به‌عنوان مهم‌ترین رقیب شرکت‌های ایرانی در بازار کشورهای منطقه یاد می‌کنند. شرکتی که در سال ۹۸ و بعد از آتش‌سوزی کارخانه کاله در عراق که خسارتی ۸۰ میلیون دلاری روی دست این شرکت ایرانی گذاشت، از سوی مدیرعامل کاله متهم به خرابکاری عمدی برای تحت فشار قرار دادن رقیب ایرانی خود شد.

امید آخر؛ تحریک کارگران مجتمع‌های صنعتی و حمله به معادن

اعتصابات کارگری در مجتمع‌های بزرگ مثل ذوب آهن اصفهان و پتروشیمی‌های جنوب کشور، همچنین مانع ایجاد کردن در مسیر استخراج معادن، آخرین امید رسانه‌های ضدایرانی برای تولید نارضایتی و تشدید بحران داخلی در کشور بود. این رسانه‌ها طی چند هفته اخیر، در گزارش‌هایی سرشار از ذوق‌زدگی خبر از اعتصابات گسترده در پتروشیمی‌های می‌دادند و آن را ادامه‌دار و با هدف براندازی پیش‌بینی می‌کردند، درصورتی که در زمین واقعیت تنها شاهد چند اعتصاب پراکنده بودیم که همان‌ها هم به‌دلیل برخی مسائل صنفی بود که در همان روزهای ابتدایی با جلب رضایت کارگران رفع شد. پروژه دیگر ایران‌ستیزان، تحریک مردم مناطق محروم‌تر ایران برای حمله به مراکزی مثل معادن استان‌های خود بود که درنتیجه آن، روند استفاده از ظرفیت‌های طبیعی آن مناطق هم با اخلال مواجه شود. معدن طلای تفتان در استان سیستان و بلوچستان نمونه‌ای از این تلاش‌ها بود. معاون امور معادن و صنایع معدنی سازمان صمت این استان درخصوص هجوم برخی افراد محلی به معدن طلای تفتان گفته بود: «طی هجوم‌هایی که در سه مرحله به کل واحدهای معدنی در حوزه تفتان صورت گرفت، معادن این منطقه که محلی برای معیشت و اشتغال و اقتصاد بود به تعطیلی کشیده شدند.» او همچنین هشدار داده‌اد بود در صورت تکرار چنین اتفاق‌هایی کل سرمایه‌گذاری‌های حوزه معدن در این استان نابود خواهد شد. با توجه به اینکه یکی از جدی‌ترین محوره‌ای توسعه سیستان و بلوچستان بخش معادن است، می‌توان پیش‌بینی کرد با چنین اتفاقاتی، چه آینده‌ای در انتظار روندهای توسعه این منطقه خواهد بود.

به‌طور کلی، چنانچه زاویه دیدمان در مواجهه با مواردی که در بالا به آن اشاره شد از منظر منافع ملی ایران باشد می‌توان پیام تک‌تک آنها را دریافت کرد. شاید بتوان هریک از این موارد را نماد دانست. نمادی از ایرانی که آنها برای ما می‌پسندند؛ ایران فروپاشیده در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ایران درگیر با کشمکش‌های داخلی احتمالاً مسلحانه که تمامیت ارضی، منابع، ذخایر و امنیت ملی خود را بیش از هر زمان دیگری در تهدید می‌بیند.

سیاست

دوشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۱ شماره ۲۷۳۹



صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی- **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانجانی- **سر‌دبیر:** مسعود فروغی
تلفن وفکس: ۶۲۹۹۹۴۵۰ (۰۲۱) **کدپستی:** ۱۱۳۵۱۳۳۸۱۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، رویه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

برد و باخت در فوتبال مهم است اما مهم‌تر بازنمایی هویت ملی در بزرگ‌ترین آور دگاه جهانی است هر تریبونی که به این وحدت ملی آسیب بزند مردود است

ما همه با هم هستیم



غیرفنی و سیاسی مطرح می‌کردند با واکنش صریح بازیکنان و سرمربی تیم مواجه شدند. کارلوس کی‌روش در مواجهه با سوال خبرنگار شبکه اسکای درباره وضعیت سیاسی ایران گفت: «چقدر به من پول می‌دهید تا به این سوال پاسخ بدهم؟» و به این شکل پاسخی به آن نداد. این خبرنگار درحالی‌که می‌کوفن در اختیار خبرنگار دیگری بود به سوال‌های سیاسی خود ادامه داد و در سوالی توهین‌آمیز به کی‌روش گفت: «سرمربیگری تیم کشوری که حقوق زنان در آن رعایت نمی‌شود چه منفعتی برای شما دارد؟» کی‌روش در واکنش به این صحبت‌ها گفت: «شما که خبرنگار یک کمپانی خبری خصوصی هستید چه مبلغی برای این سوال دریافت می‌کنید؟ لطفا حرف با اقدامی را که من نکرده‌ام به من منتسب نکنید.» پس از این صحبت‌ها و با اتمام نشست خبری، کی‌روش خطاب به این خبرنگار گفت: به حرف‌های من فکر کنید! راستی از کشور خودتان چه خبر؟»

همچنین علیرضا جهانشخس در پاسخ به سوال شیطنت‌آمیز خبرنگاری مبنی‌بر شادی نکردن احتمالی بازیکنان ایران پس از گلزنی، گفت:

«فکر می‌کنم شما خبرنگار رسانه انگلیسی هستید و اگر هم گروه نبودیم این سوال را مطرح نمی‌کردید.»
کاپیتان تیم ایران گفت: «از بچگی عاشق پیراهن تیم ملی بوده و هستیم، هدف و تمرکز ما روی تیم ملی است.»

رفتارهای سیاسی خبرنگاران ضدایرانی حتی واکنش رئیس فدراسیون جهانی فوتبال را نیز برانگیخت. اینفانتینو در نشست خبری در آستانه شروع رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در پاسخ به سوال یک خبرنگار درباره مسائل مربوط به ایران و اینکه چرا به ایران اجازه داده شده در جام جهانی بازی کند و ایران را از جام جهانی کنار نگذاشته‌اند، گفت: «مگر دو حکومت و دو ایدئولوژی قرار است در جام جهانی با هم بازی کنن؟ بازی بین دو تیم فوتبال است. اگر شما جنگ جهانی می‌خواهید، بروید جنگ جهانی اما این یک تورنمنت فوتبال است.» جریان رسانه‌ای معاند که راهبرد ضدایرانی خود را در عرصه جهانی شکست‌خورده می‌بیند، اکنون با هدف تخریب روحیه بازیکنان و جلوگیری از شکل‌گیری شادی و نشاط ملی بازیکنان تیم ملی را مورد حمله قرار داده و حضور در جام جهانی را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. این جوسازی باعث شده برخی چهره‌ها و رسانه‌های داخلی نیز تحت‌تأثیر قرار گیرند و همچون ستون پنجم رقبای ایران بازیکنان تیم ملی را مورد انتقاد قرار دهند. انتقاد نابجایی که نه‌تنها بازیکنان تیم ملی، بلکه مفهوم اتحاد ملی و تمامیت ارضی کشور را هدف گرفته است.

تلاش برای تبدیل شادی ملت به عزا

در چند روز اخیر شاهد بودیم که طراحان کمپین اعتصاب سراسری وقتی تبلیغات خود علیه اقتصاد کشور را شکست خورده دیدند روبه اعتصاب اجباری آورده و با تهدید کسبه سعی در تعطیلی بازار داشتند تا بتوانند تصاویر کرکره‌های به زور پایین کشیده شده را به‌عنوان اعتصاب سراسری در فضای مجازی ضربت بدهند. درنهایت نیز خشم از شکست این کمپین باعث شد تا تروریست‌ها در بازار ایده به روی مردم اسلحه گشوده تا بلکه با اهرم ترس بتوانند زندگی مردم را مختل کنند. حال همین سناریو قرار است برای مفهوم ملت اتفاق بیفتد. رسانه‌های خارج‌چر نشین که راهبرد حمله به تیم ملی را شکست خورده می‌بینند در گام بعدی قصد دارند از فرصت شلوغی خیابان‌ها در جام جهانی بهره برده و شادی عمومی مردم را به عزا تبدیل کنند. به همین دلیل نیز فراخوان‌هایی را برای اغتشاشات خیابانی در ایام جام جهانی منتشر می‌کنند. در یکی از این فراخوان‌ها که در یکی از

کانال‌های تلگرامی آشوب منتشر شده است اعلام شده با هر سوت پایان به خیابان می‌آییم. جالب اینجاست که در همین فراخوان آمده است: «تجمع و شادی برای یک رخداد ورزشی امری معمولی و دارای مشروعیت است.» این کانال توضیح داده است که این شورش خیابانی در پوشش تجمع و شادی برای یک رخداد ورزشی است. این سوال وجود دارد که چگونه اغتشاشگران حضور در خیابان‌ها را برای سلب امنیت مردم مشروع می‌دانند اما فعالیت بازار را نه. چگونه است که خودشان اعتراف می‌کنند شادی برای یک رخداد ورزشی مشروع است اما بازیکنان به خاطر عکس گرفتن با لبخند شایسته فحاشی؟ جواب واضح است. از نظر اغتشاشگران جمعی‌مداری مشروعیت است که بتواند تمامیت ارضی کشور را به چالش کشیده و ایران را یک گام به پرتگاه تجزیه نزدیک‌تر کند. در این دیدگاه که تجزیه ایران را هدف قرار داده نه‌تنها اغتشاش خیابانی و سلب آرامش مردم مشروعیت دارد بلکه ریختن خون کودکان یی گناه نیز ایرادی ندارد.

برخورد با قیچی به دستانی که رشته‌های دروازه اتحاد را هدف گرفته‌اند

در التهابات ناآرامی‌های اخیر، چهره‌های بسیاری خواسته یا ناخواسته بر موج ضدملی سوار شدند که اگر بعدها به رفتار یا کنش خود نگاه کنند، شاید پشیمان شوند که در برهه‌ای که همه حمله‌ها علیه ایران است، موضعی بر ضد ایران گرفته‌اند. در این میان علی کریمی یکی از همین چهره‌هاست که از ابتدای التهابات در شهرپورماه امسال با کنشگری مجازی خود التهابات را چندبرابر کرد. برای نمونه او فراخوان شورش در مهاباد را درحالی منتشر کرده است که ناامنی‌های این شهر شکل جنگ شهری به خود گرفته و امنیت مردم را سلب کرده است. این فراخوان درحالی بازنشر شده که گروه‌های تجزیه‌طلب کردی پشت مرزهای کشور به طمع خاک کشورمان نشستند.

به غیر از علی کریمی، دیگر چهره‌های شاخص فوتبالی چون حبیبی گل‌محمدی نیز چنین مواضعی گرفتند. به‌غیر از چهره‌های فوتبالی، سلبریتی‌های همیشه درمیانی که نام‌دکتر را بدون فهم دکترایدک می‌کنند، همچون حسن عباسی از فوتبالی‌ها فراز رفته و ملیت و ایرانیت را بدون فهمی از این دو واژه نشان رفتند. حسن عباسی در تویییتی جمعه شب نوشته بود: «متولی این فتنه سلبریتی‌های ملعون فوتبال و سینما هستند. این اغتشاشات فقط در برخورد با این عوامل صهیونیستی جمع می‌شود.»

عباسی در این توییت مدعی است تنها فوتبالی‌ها و سینمایی‌ها عوامل اغتشاشات هستند، درحالی‌که او خود با این توییت بر آتش اغتشاشات می‌دمد. چه عباسی چه دیگر چهره‌هایی که خواسته یا ناخواسته، فهمیده یا نفهمیده در کنشگری مجازی خود در پایزل ضدملت و ضدایران نقش داشتند، از کنشگری مجازی اطلاع چندانی نداشته و نمی‌دانند همین توییت‌های ساده، در کف خیابان چه هزینه‌هایی را به ملت تحمیل می‌کند. تجدیدنظر در نحوه کنشگری حداقل بار هزینه‌ها روی دوش ملت و ایران را کمتر می‌کند. اتفاقات کف میدان به نحوی درحال پیشروی علیه کشور است که دیگر توییت‌ها و استوری‌های روزمره یک محتوای ساده محسوب نمی‌شود. هر کلمه‌ای که در حمایت از اغتشاشات بازنشر شده چون گلوله‌ای عمل می‌کند که به سمت نیروهای حافظ تمامیت ارضی شلیک شده و هر توییتی که با هدف به حاشیه بردن تمرکز بازیکنان تیم ملی از میدان مسابقه زده می‌شود به شوتی به سمت دروازه ایران تبدیل می‌شود. شوتی که تور دروازه تیم ملی و رشته‌های اتحاد ملی را با هم پاره می‌کند و گریزی جز برخورد قاطع با منتشرکننده آن نمی‌گذارد.